

سندیکالیستها، دفاع از طومار رفرمیستی و جدال علیه فعالین ضد سرمایه داری

در اواسط بهمن ماه بیانیه ای با عنوان طومار امضاء برای آزادی تشکل های کارگری از طرف کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری در ایران به وزارت کار و سازمان های کارگری جهان و سازمان بین المللی کار با امضا ۲۰۳۷ نفر روی چند سایت اینترنتی نمود بیرونی یافت. این طومار مطابق معمول با مصاحبه هایی توسط سخنگوی این کمیته پیرامون چگونگی تدارک این حرکت و اهداف آن همراه بود. تا اینجا مشخص شده است که کمیته مزبور ۴۰ نفر عضو دارد که بیشتر آنها اعضای هیئت موسسان سندیکاهای، خواستاران ایجاد سندیکاهای مستقل و گروههای دیگر هستند. مطابق ادعاها حدود ۴۰۰۰ کارگر این بیانیه را امضاء نموده اند. مضمون بیانیه تقاضای برسمیت شناسی ایجاد تشکل های مستقل صنفی کارگران از طرف وزارت کار و سازمان جهانی کار بجای خانه کارگر و شوراهای اسلامی می باشد. در طول یکی دو هفته اخیر، بویژه در خارج کشور از سوی موافقان و منتقدین این حرکت بحثهای مفصلی صورت گرفته است. من بعنوان یک فعال گذشته و حال جنبش کارگری ایران مناسب و لازم می بینم که به سهم خویش برخی استنباطات و ملاحظات را خواه در باره اساس مآووع و خواه مجادلات جاری پیرامون آن توضیح دهم.

۱. تأکید غلیظ بر روی امضای ۴۰۰۰ هزار کارگر هیچ دلیلی برای موافق منافع طبقه کارگر بودن این طرح و تلاش ایجاد نمی کند. انبوه کارگران لهستانی که سکوی پرش «لخ والسا» به اریکه قدرت سرمایه داری شدند با این کار خویش تنها طوق بردگی سرمایه را بر گردن خود محکمتر و محکمتر ساختند. شمار زیادی از کارگران ایران به خمینی دخیل بستند. انبوهی از کارگران اروپا هنوز به سوسیال دموکراسی آویزان هستند. همین کارگران بر سر بزنگاهها، وسیله قدرت گرفتن راست افراطی بورژوازی هم شده و می شوند. اینکه کارگران آگاهانه و بر اساس درک درست از انتظارات و مطالبات طبقاتی خود حرکت کنند یک چیز است و اینکه زیر فشار توهم دنبال این یا آن طرح راه افتند حرف دیگری است. تلاش طومارنویسان و مدافعان پرجوش و خروش آنها از نوع دوم است.

۲. شماری از فعالین گرایش رادیکال و ضد سرمایه داری جنبش کارگری به این طومار، به هدفها، ظرفیت و محتوای کار تشکل مورد نظر آن، بطور جدی برخورد کرده اند. آنان بن بست تاریخی این نوع تشکل سازیها را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده اند. من ضمن همفکری کامل با این رفقا، هیچ نیازی به تکرار گفته ها و نوشته هایشان نمی بینم، هدف من در اینجا بیشتر نقدی ساده و برخوردی کوتاه به حرفها و جنجالهای گسترده سندیکالیستهای قدیمی خارج از کشور و مقدم بر همه دوست عزیز خودم یدالله خسروشاهی است. ایشان در دفاع از طومار و در ستیز با فعالین ضد سرمایه داری کمپین وسیعی به راه انداخته اند.

یداله در یک مصاحبه رادیویی در پاسخ سؤالی راجع به ترکیب گرایشهای موجود در درون کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری اظهار می دارد که تمام گرایش های جنبش کارگری سوای گرایش لغو کار مزدی در این کمیته حضور فعال دارند. او ادامه می دهد که افراد این گرایش مشتق ایده ایست و خیال پردازند و در رابطه با شکل و ساختار تشکیلات کارگری دنبال تشکل شورائی می باشند و هر نوع حرکت صنفی توده های کارگر را رد می کنند. از یداله می پرسیم که آیا او حتی یک بحث از شمار کثیر مباحثات این فعالین در سیمای

سوسیالیسم یا در سایتها و نشریات دیگر پیرامون جنبش ضد سرمایه داری و ضد کار مزدی طبقه کارگر، وجود خودانگیخته این جنبش در درون کارگران، سازمانیابی این جنبش، نوع مطالبات و انتظارات فوری آن برای کل طبقه کارگر، اهرمها و ابزارهای طبقاتی کارگران برای اعمال این خواسته ها یا رابطه مقاطع مختلف ابراز وجود طبقاتی این جنبش با تدارک کارگران برای لغو کار مزدی و نظائر اینها را خوانده است؟؟ آیا او در نوشته ها و سخنرانی های محسن حکیمی به درستی تعمق نموده است. آیا به نوشته ها و گفته های سایر فعالین ضد سرمایه داری هیچ نظری نیانداخته است؟؟ اگر او این کارها را نکرده است، که من اطمینان دارم نکرده است، چرا پیرامون گرایش ضد سرمایه داری درون طبقه کارگر و نظرات و فعالیت و پراتیک طبقاتی آنان این چنین حرف می زند. آیا او در طی این مدت در مقام دشمن هر نوع تلاش ضد سرمایه داری سوای نثار تهمت و افترا علیه فعالین این جنبش کار دیگری کرده است؟. اگر یداله مدعی است که این مطالب را خوانده باز این سؤال با همین اهمیت مطرح است که چرا بجای نقد شفاف و مستدل این نوشته ها و حرفها فقط به تهمت و افترا بسنده می کند.

۳. یداله و یداله ها اصرار دارند که نوشتن طومار و تلاشهای حول آن را حرکت خود جوش برخاسته از متن جنبش طبقه کارگر جا بزنند. این ادعا عمیقاً بی پایه است. آنچه صورت گرفته است تلاش چند سندیکالیست و توده ای، اکثریتی و دوم خردادی و عناصر محفلهای سکتی برای جمع آوری امضاهای کارگران و استفاده از این امضاها برای توسل به وزارت کار رژیم اسلامی سرمایه داری و نهایتاً ایجاد یک شورای اسلامی کار بدون نام اسلامی یا یک خانه کارگر جدید در جوار خانه کارگر قبلی است. تشکلی که هیچ گرهی از مشکلات کارگران نخواهد گشود. یداله با قاطعیت از همه کمونیستها میخواهد که تکلیف خود را معلوم کنند و اعلام دارند که می خواهند در کدام صف باشند؟. معنی حرف یداله این است که این حرکت تمام عیار سندیکالیستی ملاک صف بندی طبقاتی در جامعه و تعیین تکلیف در جنبش کارگری است. از یداله عزیز می پرسم که به راستی میدانند که چه میگویند!!!

۴. یداله در اخر مصاحبه رادیویی اش به مقاله بی اعتنائی به سیاست مارکس رجوع می کند. او حرفهای مارکس را که از ابتدا تا انتها در جهت تأیید گفته ها و عملکرد و نظرات گرایش ضد سرمایه داری طبقه کارگر و بطور صد درصد علیه نظرات و کل کارگرد تاکنونی اوست بطور بسیار ناشیانه ای تحریف می کند. این تحریف به حدی زمخت و زننده است که من هیچ نیازی به شرح آن نمی بینم.

۵. یداله استناد بغایت تحریف آمیز از این مقاله را به کسی بنام علی شیر مبارکی هم القاء کرده است. آقای مبارکی که نامش برای من خیلی جدید است در نوشته خود تحت عنوان چرا باید از تشکلات مستقل کارگری حمایت کرد شیرین کاری های بسیار زیادی کرده است. او بعد از مقدمه حرفهایش به سبک چپ پنجاه و هفتی با استفاده از همان مقوله های متروک انزمان در ارتباط با بیانیه کمیته پیگیری از برخورد سه گرایش به آن بیانیه نام برده است. ایشان به گرایش رفرمیست راست سندیکالیستی، گرایش خرده بورژوازی گروهی که مخالف هرگونه تشکلات صنفی کارگری است و گرایش کارگری که مشغول زدودن تاثیرات و آلودگیهای ناشی از سازمان های چپ و اثبات لیاقت خویش است اشاره می کند!!! و سپس خود و یداله و سندیکالیست های قدیم و جدید را جزء این گرایش کارگری می داند. این دوست محترم فراموش کرده که تمام احزاب و سازمان های چپ ایران به رغم گفته ایشان هیچگاه با تشکیلات صنفی و سندیکالیستی کارگری مخالفتی نداشته اند و اصولاً وظیفه جنبش کارگری را

همین مبارزات سندیکایی و اقتصادی دانسته اند. آنها رسالت کار سیاسی و نمایندگی سیاسی کارگران را فقط در ظرفیت خود و سازمان و حزبشان میدانند. او این مسأله را مطلقاً درک نکرده است و لذا در همین راستا قادر به تشخیص اساسی و بنیادی میان گفته ها و رویکرد و عملکرد جنبش ضد سرمایه داری و فعالین این جنبش با چپ فرقه گرا هم نیست. ایشان مبارزه پرتوان این گرایش علیه سندیکالیسم و فرقه گرائی بنفع سازمانیابی جنبش ضد سرمایه داری توده های کارگر را درک نمی کند، هیچ کلمه ای از حرفهای فعالین لغو کار مزدی از جمله محتوای مقاله ناصر پایدار را هم نفهمیده است. او از طرفداران پروپاقرص طرح تشکل کارگری دوم خردادها و سندیکالیست‌هاست و وظیفه خود می داند که به منتقدین این نگرش و حرکت هر بد و بیراهی را که می پسندد نثار کند.

اقای شیر مبارکی ضمن مقایسه شرایط کارگران کشورهای امریکا، اروپای غربی و کارگران ایران به این نتیجه می رسند که ما کمونیست ها فراموش کرده ایم که شرایط اقتصادی تکنولوژیکی کشور های غربی باعث غلبه رفرمیست بر اتحادیه های کارگری شده است، امری که در ایران بعلت وابستگی اقتصادی و سرکوب مستقیم امکان ندارد، ایشان نمی خواهند قبول کنند که اتحادیه ها ظرف پذیرش بردگی مزدی توسط کارگران هستند و هویت جغرافیائی آنها نمی تواند نقش و مکان اجتماعیشان را دگرگون سازد. به راستی برای ما موجب افتخار است که از سوی کسانی مانند ایشان متهم به انجماد فکری شویم.

سندیکالیسم و اتحادیه گرایی در دوران انحطاط تاریخی خود بسر میبرد و یک نمود گنبدگی آن بویژه در سندیکالیسم وطنی همین موضع هیستریکی ضد کمونیستی است که از سوی سندیکاپرستان علیه فعالین گرایش لغو کار مزدی و ضد سرمایه داری اتخاذ شده و می شود.

۵. سکت های گروهی و حزبی یدک کش نام کمونیست و کارگر در مورد واقعه طومار نویسی به وزارت کار رژیم اسلامی سرمایه اگر چه با درج طومار در سایت هایشان و با امتناع سرسختانه از درج نقدهای فعالین رادیکال کارگری، جانبداری خود از حرکت مذکور را اثبات کرده اند اما بنوعی فعلا جانب سکوت را گرفته اند. آنان سیاست صبر و انتظار پیش کرده اند تا ببینند که کفه به کدام طرف می چرید.

جمشید کارگر

فعال جنبش شورایی دوران انقلاب ۵۷ و نماینده سابق شورای یکی از مجتمع های تولیدی شرکت نفت